

# دعوی گروهی در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی با تأکید بر فنلاند؛ تجربه‌ای برای ایران (مقاله علمی-پژوهشی)

منصور امینی\*

مهدی شمس شمیرانی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۴

## چکیده

در حالی که ایالات متحده آمریکا نهاد دعوی گروهی را در زمینه موضوعات گسترده‌ای پذیرفته و اجرای خصوصی با نظارت دادگاه را بر اجرای عمومی ترجیح داده و همچنین در خصوص دعوی گروهی روش خروج محور را الزامی کرده و به‌جز دعوی مطالبه خسارت در سایر دعاوی حق خروج اعضا از گروه سلب شده، برخی کشورهای اروپایی دارای نظام حقوقی نوشته از جمله فنلاند، در قبال نسخه آمریکایی دعوی گروهی، با احتیاط کامل برخورد کرده‌اند و با بدبینی و توسل به استدلال‌های منتقدان، کوشیده‌اند ضمن شناسایی دعوی گروهی در قوانین خود، موضوع‌ها و حوزه مورد اعمال را تا حد ممکن کاهش دهند. از سوی دیگر، برخی از این کشورها، روش ورود محور را اصل قرار داده‌اند و اجرای عمومی را بر اجرای خصوصی مرجح دانسته‌اند. در مقابل، موافقان نسخه آمریکایی معتقدند که مخالفان هیچ استدلال تجربی و عملی برای بدبینی خود ارائه نداده‌اند و مهم‌ترین دلیل پذیرفته‌نشدن این نهاد به سبک آمریکایی، لابی‌گری و سازش‌های پشت پرده خوانندگان بالقوه، یعنی صاحبان صنایع بزرگ با مقامات دولتی و قانون‌گذاران بوده است. آمارهای موجود از قلت دعوی گروهی مطروحه در این کشورهای اروپایی و نتایج نه‌چندان مؤثر از این دعوی می‌تواند حاکی از عدم کارایی مطلوب روش اتخاذی آنان باشد.

## کلید واژگان

دعوی گروهی، روش ورود محور، روش خروج محور، اجرای عمومی، اجرای خصوصی.

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

aminimansour@yahoo.fr

\*\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پردیس ۲ (نویسنده مسئول)  
shemiranimehdi68@gmail.com

## مقدمه

دادخواهی انفرادی، شیوه رایج و اولیه پیگیری تضییع حق در نظام‌های حقوقی مختلف است، اما در مواردی که این شیوه برای احقاق حق یا فصل خصومت سریع و عادلانه کارایی نداشته باشد، به‌ناچار باید شیوه‌های دیگری را برای تضمین حقوق ماهوی اتخاذ کرد. ویژگی اصلی جامعه سازمان‌یافته امروزی تولید انبوه، تبلیغات گسترده و مصرف انبوه است. تولید و فروش انبوه یک محصول معیوب، بالقوه می‌تواند به همه مصرف‌کنندگان این محصول آسیب یا زیان وارد کند. تبلیغات عجیب و غریب شرکتی بزرگ می‌تواند تأثیرات ملی به همراه داشته باشد. آلودگی‌های سطحی در رودخانه‌های محیط اطراف ممکن است در طول دوره‌ای طولانی، افراد بی‌شماری را آلوده کند و تحت تأثیر قرار دهد. تقلب‌های پیچیده در عرصه اوراق بهادار، تبعیض در استخدام، اعتصاب‌های غیرقانونی و بسیاری از رفتارهای غیرقانونی دیگر، برای همه جامعه تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم دارند. به دنبال وقوع چنین سوءرفتارهایی، یک شخص منفرد، اغلب قادر نیست یا تمایلی ندارد که به تنهایی علیه خاطی به معارضه برخیزد و اقامه دعوا کند.<sup>۱</sup> اگر تعداد خواهان‌ها زیاد و هزینه دادرسی بیشتر از ارزش خواسته هر فرد باشد، انگیزه‌ای برای طرح دعوا وجود نخواهد داشت و ممکن است اکثر خواهان‌ها، از اقامه دعوا صرف‌نظر کنند؛ در نتیجه، خواننده بالقوه‌ای که برخلاف قانون و به ناحق، به حقوق افراد زیادی لطمه وارد کرده است، مسئولیت خطای خود را بر دوش نمی‌کشد و سود سرشاری را به ناحق به دست خواهد آورد.<sup>۲</sup> چنانچه در قوانین آیین دادرسی، مقرراتی برای جبران خسارت تعداد زیادی خواهان به شیوه دعوای گروهی پیش‌بینی نشود، انگیزه لازم برای اقامه دعوا وجود نخواهد داشت و در نتیجه، ممکن است متخلف در ارتکاب تخلفات مشابه و مکرر، جری شود؛ چراکه دادخواهی انفرادی بر مبنای معیار هزینه-فایده، توجیه اقتصادی نخواهد داشت. برای مقابله با این موانع اقتصادی، نهاد دعوای گروهی، با جمع کردن ادعاهای افراد متعدد در یک دعوا، راه‌حلی را برای احقاق حق و جبران خسارات وارده از طریق کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی دادرسی و همچنین استفاده

1. Issacharoff, Samuel, **collective action and class action**, New York University School of Law, Sep. 2017, pp. 1.

2. see: Rubenstein, William B., "Why Enable Litigation? A Positive Externalities Theory of the Small Claims Class Action", 20 UMKC Law Review, No. 10, 2006, pp. 1-21.

بهینه از زمان و سرمایه سیستم قضایی ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup> هدف از شناسایی دعوی گروهی، رعایت اقتصاد قضایی، دسترسی به عدالت و اصلاح رفتار خاطیان و تحذیر و بازدارندگی است.<sup>۲</sup>

## ۱. تعریف

دعوی گروهی، شیوه‌ای از رسیدگی جمعی است که در آن، یک یا چند شخص ذی‌نفع در دعوا، اعم از حقیقی یا حقوقی بر اساس اختیاری که قانون‌گذار اعطا کرده، به نمایندگی از سوی گروهی از خواهان‌های بالقوه (که صرفاً توصیف می‌شوند)، ادعاهای اعضای گروه را که از لحاظ موضوعی و حکمی مشابه هستند، در قالب یک دعوی واحد در دادگاه صالحه مطرح می‌کنند و نتیجه رسیدگی و رأی دادگاه برای گروه و کلیه اعضای آن و خواننده یا خوانندگان الزام‌آور و مشمول قاعده اعتبار امر مختومه است. با استفاده از این شیوه، امکان رسیدگی به ادعاهای تعداد زیادی از اشخاص علیه خواننده واحد در یک دادرسی فراهم می‌شود. به عبارت دیگر، در دعوی گروهی، یک یا چند نفر (موسوم به خواهان نماینده<sup>۳</sup>) از طرف خود و نیز به نمایندگی از تعدادی اشخاص دیگر (گروه<sup>۴</sup>) که ادعای خسارت برای یک عمل غیرقانونی یکسانی را دارند (دعوی مشترک<sup>۵</sup>)، طرح دعوا می‌کنند و در نهایت، رأی صادرشده نیز در خصوص تمام اعضای گروه الزام‌آور است.<sup>۶</sup> در این دعوی، فقط خواهان یا خواهان‌های نماینده، طرف دعوی هستند و معمولاً اعضای گروه، طرف دعوی شناخته نمی‌شوند؛ بلکه صرفاً گروه توصیف می‌شوند.<sup>۷</sup> دعوی گروهی با این سبک با اصولی نظیر اصل دادخواهی به‌طور شخصی، اصل رعایت حقوق دفاعی یا اصل تناظر<sup>۸</sup> و اصل استقلال دعوی تعارض دارد.

1. Silver, Charles, **Class Action- Representation Proceeding**, in 5 Encyclopedia of Law & Economics, Boudewijn Bouckaert & Gerrit De Geest eds, 2000, p. 194.

2. Issacharoff, Samuel, op.cit.

3. Representative Plaintiff

4. The Class

5. Common Issues

۶. برای تحلیل مفاهیم گروه، وکیل، موکل و رابطه میان آن‌ها در دعوی گروهی بنگرید به:

Alexandra D. Lahav, **Two view of the class action**, 79 Fordham L. Rev, 2011, pp. 1939-1963.

7. Mulheren, Rechael, **The Class Action in Common Law Legal System: A Comparative Perspective**, 2004, p. 3.

۸. برای مطالعه بیشتر بنگرید: شمس، عبدالله، **اصل تناظر**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۱، شماره ۳۵-۳۶.

دعوی گروهی ممکن است از نوع دعوی گروهی خوانده<sup>۱</sup> باشد. در این دسته از دعوی که به ندرت اتفاق می‌افتد، یک خواهان علیه گروهی از خواندگان که نماینده دادخواهی هستند، اقامه دعوی می‌کند. اگر خواهان در یک دعوی گروهی علیه خواندگان متعدد پیروز شود، دادگاه تمام خواندگانی را که در قالب گروه می‌گنجد، مشمول حکم خود قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> اما به علت کثرت دعوی گروهی خواهان‌ها، به این‌گونه دعوی بیشتر توجه می‌شود؛ بنابراین، در اکثر کتب و مقالات، دعوی گروهی به‌طور مطلق، به معنای دعوی گروهی خواهان به کار رفته است.<sup>۳</sup>

## ۲. روش‌های ورودمحور و خروجمحور

برای تعیین اعضای گروه در دعوی گروهی دو روش ورودمحور و خروجمحور متصور است. در روش ورودمحور، ذی‌نفعان بالقوه گروه باید تقاضای ورود خود را به دعوا به‌صراحت اعلام کنند تا عضو گروه محسوب و در دادرسی وارد شوند، ولی به‌عکس در روش خروجمحور ذی‌نفعان بالقوه که به‌منزله عضو گروه توصیف می‌شوند، داخل در گروه و وارد در دادرسی مفروض هستند؛ مگر اینکه به‌صراحت نبود رضایت خود را برای ورود به دعوا ابراز کنند. هر یک از این دو روش، موافقان و مخالفانی دارد. به‌طور خلاصه، موافقان روش خروجمحور اظهار می‌دارند که این روش برای وکلا انگیزه مهمی در مطرح کردن دعوی گروهی ایجاد می‌کند تا دعوا را با تعداد اعضای زیاد اقامه کنند و حق‌الوکاله چشمگیری نصیب آنان شود. در نتیجه اقامه متعدد دعوی گروهی، مزیت‌های این دعوی از جمله بازدارندگی و تحذیر برای خاطیان بالقوه و جبران خسارت‌های گسترده به منصفه ظهور می‌رسد. در مقابل، موافقان روش ورودمحور استدلال می‌کنند که این روش با اصول دادرسی سازگارتر است و افراد غایب را که در دعوا هیچ اراده و نقشی نداشته‌اند، ملتزم به نتایج حاصل از دادرسی نمی‌کند. به همین دلیل است که کشورهای حقوق نوشته غالباً این روش را برگزیده‌اند. در حقوق ایالات متحده آمریکا (به‌استثنای دعوی ذیل قانون استانداردهای عادلانه کار که ورودمحور هستند) اصولاً دعوی گروهی را مبتنی بر روش خروجمحور و همچنین نداشتن حق خروج قرار داده‌اند، ولی هرگاه الزامی بودن نداشتن حق خروج

1. Defendant Class Action

2. X. Shen, Fransis, "The Overlooked Utility of The Defendant Class Action", Denver University Law Review, 2010, p. 4, <http://www.law.du.edu>

3. N. Ancheta, Angelo, "Defendant Class Action & Federal Civil Right Litigation", UCLA Law Review, Vol 33, 1985-1986, pp. 288-289.

منجر به نتایج ناعادلانه‌ای شود، حق خروج را برای اعضا قائل شده‌اند. از جمله در دعوی گروهی جبران خسارت<sup>۱</sup>، این حق برای اعضای در نظر گرفته شده که معتقدند دعوی فردی بهتر حقوق آنان را تأمین می‌کند. همچنین، در دعوی جبران خسارت که با سازش خاتمه می‌یابد، حق خروج ثانویه برای کسانی که از ابتدا و در زمان مقرر اعلام خروج نکرده‌اند، بعد از اتمام سازش و تأیید شدن توافقات و حل و فصل دعوا در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، منافع افراد متضرر از شبه‌جرم در معرض خطر قرار نمی‌گیرد و انگیزه انجام‌دادن سازش‌هایی برخلاف منافع اعضای غایب از سوی وکلا و خوانده حتی‌الامکان منتفی می‌شود.

### ۳. اجرای خصوصی در تقابل با اجرای عمومی

به‌رغم انتقادهایی که از دادخواهی به روش دعوی گروهی مطرح بوده است (امکان سوءاستفاده خواهان‌ها، تضییع حق اعضای گروه برای اقامه دعوی فردی، تعارض بالقوه میان منافع گروه و منافع وکلای گروه)<sup>۳</sup>، در حال حاضر، این موضوع که آیا جامعه نیازمند تدوین مقررات شکلی برای جبران جمعی یا گروهی است یا خیر، محل بحث و مناقشه نیست؛ بلکه موضوع مورد مناقشه و بحث‌برانگیز این است که آیا وظیفه پاسداری و پیگیری برای جبران جمعی یا گروهی بر عهده نهادهای دولتی و عمومی و از طریق اجرای عمومی<sup>۴</sup> است یا این منفعت عمومی را باید به اجرای خصوصی<sup>۵</sup> و با نظارت دادگاه واگذار کرد. به عبارت دیگر، اختلافی در خصوص نیاز به جبران جمعی نیست، بلکه درباره اتخاذ شیوه اجرای آن به صورت خصوصی یا عمومی (از طریق بازرسان و دستگاه‌های نظارتی دولتی) اختلاف است. دعوی گروهی به روش اجرای خصوصی، روشی جایگزین در اختیار دولت قرار می‌دهد، بدون اینکه دولت در این شیوه، مجبور به پاسخ‌گویی و جلب رضایت سیاسی مردم در یک جامعه دموکراتیک

۱. بند ۳ قسمت (b) ماده ۲۳ قانون آ.د.م. فدرال.

۲. بند ۴، قسمت (e) ماده ۲۳ قانون آ.د.م. فدرال.

3. Bronsteen, John; Fiss, Owen, "The Class Action Rule", Notre Dame Law Review, Vol. 78, No. 5, 2003, p. 1420.

See also: D. Blank, Joshua, A. Zacks, Eric, **Dismissing the Class: A Practical Approach to the Class Action Restriction on the Legal Services Corporation**, Penn State Law Review, Vol. 110, 2005.

4. public enforcement

5. private enforcement

باشد.<sup>۱</sup> در بعضی کشورها، آمبودزمان<sup>۲</sup> به منزله یک نهاد عمومی این نقش را بر عهده داشته و اجرای عمومی ترجیح داده شده است؛<sup>۳</sup> اما در بعضی دیگر از کشورها، اجرای خصوصی نقش اصلی را بر عهده دارد. کشورهای اخیر نیز شیوه‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند؛ برخی به نهادهای خصوصی مثل انجمن‌های حمایت از مصرف‌کنندگان، این اختیار را داده‌اند که به نمایندگی از خواهان‌های زیان‌دیده، به دنبال استیفای حقوق آنان از خواندگان باشند و در مقابل، برخی دیگر از کشورها مثل آمریکا و کانادا، نظام دعوی گروهی<sup>۴</sup> را ترجیح داده‌اند.<sup>۵</sup>

#### ۴. کاربرد دعوی گروهی برای جبران ضرر جمعی در مسئولیت مدنی

حقوق جمعی در مقابل حقوق فردی است که به یک کل تعلق دارد، نه صرفاً به یک فرد<sup>۶</sup> و به تبع آن، در صورت نقض این حقوق، فرد در جایگاه ذی‌حق و از جانب خودش به‌تنهایی، نمی‌تواند مطالبه‌گر توقف نقض باشد یا بدو درخواست خسارت کند، بلکه مطالبه این حقوق منوط به درخواست نماینده یا نمایندگانی از آن کل است. حق پاکی هوا، پاکی آب رودخانه، صداقت در تبلیغات یا سالم‌بودن محصولات تولیدی عرضه‌شده به بازار، نمونه‌هایی از حقوق جمعی هستند.<sup>۷</sup> این مفهوم در اصطلاح اقتصادی، به منافع عمومی مربوط می‌شود؛ از این رو، این حق در نیمه راه، بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی قرار دارد. تصدیق و تأیید مفهوم حقوق جمعی، یکی از تکامل‌های مهم در قانون آمریکا به‌شمار می‌رود.<sup>۸</sup> حقوق دانان کشورهای دارای نظام حقوقی نوشته معتقدند که حق باید به فرد یا افراد معینی تعلق داشته باشد و اختصاص و تعلق حق به گروه را قابل دفاع نمی‌دانند؛ در حالی که در نظام «کامن لا» این حق به‌خوبی جایگاه خود را پیدا

1. Issacharoff, Samuel, Ibid, p. 2.

2. ombudsman

3. Solomon, Louis M., "European Dis-Union in Collective Redress Actions: A Failed Experiment- So Far", International Financial Law Review, October, 2010, pp. 28-29.

4. Class Action

5. Ibid, p. 3.

۶. برای تبیین بیشتر مفهوم حق جمعی بنگرید: دکتر انصاری، باقر، **مفهوم و ماهیت حقوق جمعی**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱، صص ۴۷۱ تا ۵۲۲، بهار ۱۳۹۲.

۷. بنگرید: مولودی، محمد؛ حاجی عزیزی، بیژن؛ صفری، ناهید، **مطالعه حقوق فرافردی: مبنایی برای دعاوی جمعی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۵، صص ۲۸۵-۲۸۱.

8. Gidi, Antonio, "Class Action in Brazil A Model for Civil Law Countries", The American Journal of Comparative Law, Vol. 51, 2003, p. 43.

کرده است. به دنبال شناسایی مفهوم حق جمعی، نیاز به ضمانت اجراهای کافی و مؤثر برای صیانت و حفاظت از این حقوق و جبران ضرر و خسارت وارده به گروه یا جمع نمایان می‌شود. در این راستا مکانیسم دعاوی گروهی می‌تواند مفید و کارآمد باشد. دعاوی گروهی در خصوص حقوق جمعی یا فرافردی، دعوی است که خواهان به نمایندگی از جمع<sup>۱</sup> و در جهت حفاظت از حقی که به یک جمع تعلق دارد،<sup>۲</sup> طرح می‌کند و حکم صادرشده، تمام گروه را شامل خواهد شد. پس، عناصر اساسی دعاوی گروهی، وجود یک خواهان به نمایندگی (قانونی نه قراردادی) از جمع، حفظ حقوق یک گروه به منزله موضوع دعوی، یعنی بسنده بودن نمایندگی و تأثیر فراگیر بودن رأی صادره به کل اعضای گروه است.<sup>۳</sup>

### ۵. دعاوی گروهی در آمریکا

در حقوق آمریکا اولین مرحله از دعاوی گروهی مدرن با تصویب ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا در سال ۱۹۶۶ شروع شد. هرچند تصویب و بازنگری ماده ۲۳، از همان ابتدا انتقاد بسیاری از حقوق دانان آمریکایی را برانگیخت<sup>۴</sup> و عده‌ای این نهاد را مخالف پیشرفت‌های اقتصادی یا حتی برخلاف منافع مصرف‌کننده می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند که دعاوی گروهی، هزینه‌های غیرضروری را بر تولیدکنندگان تحمیل می‌کند<sup>۵</sup> که در نهایت، با بالا بردن قیمت به دست تولیدکننده، این هزینه اضافی بر دوش مصرف‌کننده قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، چنین قانون‌گذاری مانع از هرگونه نوآوری در صنعت می‌شود و زیان بازارهای مالی را در پی می‌آورد و همه این عوامل، اقتصاد آمریکا را تهدید می‌کند.<sup>۶</sup> اما همین مرحله از پیدایش دعاوی گروهی مدرن، خود توانست سرمشقی برای سیستم‌های حقوقی کشورهای دیگر شود. برای مثال، در حالی که در دهه ۷۰ میلادی، این نهاد همچنان با انتقاد بسیار زیاد صاحب‌نظران آمریکایی مواجه بود، استان کبک کانادا در سال ۱۹۷۸، با الگوبرداری از ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا، تدوین قوانین در

1. Collective Standing

2. Object of The Suit

3. Gidi, Antonio, op.cit, p. 334.

4. Chris, H. Miller, **The Adaptive American Judiciary: From Classical Adjudication to Class Action Litigation**, Albany Law Review, Vol 72, 2009, pp. 132-133.

5. Hazard, Geoffrey C.; Taruffo, Michele, **American Civil Procedure: An Introduction**, New Haven and London: Yale University Press, 1993, p. 162.

6. F. Sherman, Edward, **Consumer Class Actions: Decline and Fall?** ABA journal, Vol 51, 2007, p. 2.

خصوص دعوی گروهی را در دستور کار خود قرار داد. در سال ۱۹۸۲، با انتشار گزارش کمیسیون اصلاحات قانون انتاریو<sup>۱</sup>، مکانیسم دعوی گروهی بازنگری شد. تمام این تلاش‌ها، در جهت نزدیک‌تر کردن قواعد دعوی گروهی در کانادا به ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا مصوب ۱۹۶۶ صورت پذیرفت. مثال‌هایی از این قبیل، نمایانگر این مسئله است که چرا حقوق‌دانان و صاحب‌نظران، ماده ۲۳ قانون فدرال آمریکا را سرآمد آغازی نوین در زمینه نهاد دعوی گروهی می‌دانند.<sup>۲</sup> آمریکا در سال ۲۰۰۵، قانون منصفانه دعوی گروهی<sup>۳</sup> را به منظور کاهش ایرادات ماده ۲۳ و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مطروحه در خصوص دعوی گروهی تصویب کرد.<sup>۴</sup>

مطابق ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال<sup>۵</sup>، وجود چهار شرط اصلی برای دعوی گروهی ضروری است: «فقط در صورتی یک یا چند نفر از اعضای گروه می‌توانند در مقام طرف‌های نماینده از سوی تمام اعضا اقامه دعوا کنند یا مورد دعوا واقع شوند که: ۱- اعضای گروه به حدی پرجمعیت و کثیر باشند که اجتماع و حضور همه آن‌ها در یک دادرسی، غیرعملی و ناممکن باشد. ۲- جهات حکمی یا موضوعی مشترکی برای گروه وجود داشته باشد. ۳- ادعاها و دفاعیات طرف‌های نماینده، نوعاً مشابه دفاعیات و ادعاهای اعضای گروه باشد. ۴- طرف‌های نماینده، به‌طور مناسب و کافی از منافع گروه حمایت کنند.»

دعوی گروهی علاوه بر مطابقت با تمام شرایط مذکور در بند اول ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال، باید در قالب یکی از اقسام دعوی گروهی مطرح در بند دوم این ماده نیز بگنجد. در این بند، دعوی گروهی به سه دسته تقسیم شده‌اند و مطابق قانون، یک دعوی گروهی علاوه بر شرایط عمومی، باید با یکی از شرایط ذیل نیز مطابقت داشته باشد:

۱- پیگیری دعوی مجزا از سوی اعضای گروه یا علیه آن‌ها با این خطر مواجه باشد که: الف) آرای قضایی گوناگون و نامتناسبی در خصوص اعضای گروه صادر شود که منجر به استقرار استانداردهای نامتناسب رفتاری در خصوص طرف مقابل گروه شود<sup>۶</sup> یا ب) صدور آرای قضایی در خصوص افراد به‌صورت جداگانه، موجب محرومیت حق افرادی می‌شود که

1. The Ontario Law Reform Commission  
2. Issacharoff, Samuel, op.cit, pp. 2-3.  
3. Class Action Fairness Act  
4. F.Sherman, Edward, op.cit, p.4.  
5. The US Federal Rules of Civil Procedure  
6. Incompatible Result Classes



مشمول دادرسی نبوده‌اند یا اینکه اساساً منجر به ایجاد موانعی برای حمایت از منافعشان می‌شود.<sup>۱</sup>

۲- طرف مقابل گروه، مرتکب انجام‌دادن فعل یا ترک فعلی شده باشد که همهٔ اعضای گروه را تحت تأثیر قرار دهد؛ به طوری که قرار منع نهایی<sup>۲</sup> یا حکم اعلامی متناظر با دعوی، متناسب با گروه به‌مثابه یک کل (مجموعه) باشد.

۳- دادگاه احراز کند که جهات حکمی و موضوعی مشترک اعضای گروه، بر هر جهتی که صرفاً بر اعضای انفرادی گروه تأثیرگذار است، غلبه دارد و دعوی گروهی برای احقاق حق، نسبت به هر روش ممکن دیگری ارجحیت و تفوق داشته باشد.

در بین موارد ذکرشده، معمول‌ترین حالت این است که خواهان از طرف طبقهٔ مذکور، مطالبهٔ خسارت می‌کند که در این صورت، مفاد بند ۳ قسمت (b) مادهٔ ۲۳ اعمال می‌شود و به‌موجب آن، طرح دعوا به‌صورت گروهی به علت غلبه‌داشتن جهات حکمی یا موضوعی مشترک، بر هر روش دیگر اقامهٔ دعوی و حل اختلاف، برتری خواهد داشت.

هرگاه دعوی گروهی برای مطالبهٔ خسارت باشد، در قسمت ب ۳ مادهٔ ۲۹، دو شرط دیگر یعنی غلبهٔ مسائل مشترک دادرسی بر مسائل انفرادی آن<sup>۳</sup> و برتری دعوی گروهی برای حل اختلاف<sup>۴</sup> بر دیگر شیوه‌ها باید احراز شود؛ بنابراین، در دعوی مطالبهٔ غرامت، هنگامی از دعوی گروهی استفاده می‌شود که مسائل مشترک دعوی خواهان‌ها، بر موضوعات اختصاصی آن غالب باشد؛ وگرنه، تصدیق دعوی گروهی منتفی است. افزون بر این، لازم است دعوی گروهی برای حل اختلاف، بر دیگر شیوه‌های دادرسی، داوری یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف، برتری داشته باشد. در نتیجه، هرگاه بتوان با شیوه‌های دیگر، دعوا را به‌نحو مطلوبی رسیدگی کرد، دعوی گروهی تصدیق نمی‌شود. به این ترتیب، می‌توان گفت که دعوی گروهی، نقش فرعی و علی‌البدل دارد و هنگامی استفاده می‌شود که دیگر شیوه‌های حل و فصل اختلاف، نتیجهٔ مثبتی در پی نداشته باشد. اگر این نوع دعوی گروهی احراز شود، اخطاریه‌ای به اعضای غایب عضو طبقه ارسال می‌شود تا شاید بخواهند خود را از شمول دعوا خارج کنند.<sup>۵</sup> اما اگر خواستهٔ اصلی مطروحه

1. Limited Fund Classes  
2. Injunctive Classes  
3. predominance  
4. Superiority  
5. Opt-out

در دادخواست گروهی، تحصیل قرار منع دائم و حکم اعلامی متناظر با دعوا در خصوص فعل یا ترک فعل خوانده باشد، مفاد بند ۲ قسمت (b) این ماده حاکم خواهد بود. به موجب این مفاد، باید نشان داده شود که خوانده مرتکب فعل یا ترک فعلی شده است که قرار منع نهایی یا حکم اعلامی، متناسب همه اعضای گروه خواهد بود. در این صورت، قرار منع نهایی باید اولین خواسته دعوا باشد و مطالبه خسارت باید در ضمن این خواسته مطرح شود.

با توجه به موارد ذکر شده، پس از طرح دعوا به وسیله خواهان‌های نماینده، نوبت به پذیرش دعوا از سوی دادگاه می‌رسد که شاید مهم‌ترین بخش دعوی گروهی قلمداد شود؛ زیرا با تصدیق و تأیید دادگاه، ارزش این نوع دعوی بالا می‌رود و فشار بر خواننده دعوی برای حل و فصل یا سازش بیشتر می‌شود. دادگاه با بررسی و احراز شرایط عمومی و موردی مذکور در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال، اقدام به تأیید و تصدیق دعوی گروهی می‌کند. پس از پذیرش دعوی گروهی، مطابق بند ۲ قسمت (C) ماده ۲۳، اعضای گروه باید از وجود چنین دعوی گروهی، تأثیر آن بر حقوق قانونی خود و حق انتخاب برای حفاظت از منافعشان مطلع شوند؛ بنابراین، ابلاغ‌ها به اعضای بالقوه گروه که نامشان از طرق مختلف متناسب با موضوع دعوی جمع‌آوری شده، مثل اطلاعات ثبت‌نام خریداران محصولات، خودروها و اطلاعات بیماران، ارسال می‌شود. روش‌های ابلاغ نیز می‌تواند شامل ایمیل، چاپ آگهی در روزنامه، تبلیغات رادیو و تلویزیون، وبسایت‌ها و سایر روش‌های متناسب باشد.<sup>۱</sup>

برای دعوی گروهی که مطابق بند ۱ و ۲ قسمت (b) ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال اقامه می‌شوند، دادگاه باید ابلاغ‌های مناسب و مقتضی<sup>۲</sup> را ارسال کند، اما در خصوص بند ۳ قسمت (b) (دعوی جبران خسارت)، دادگاه باید بهترین ابلاغ متناسب با شرایط را برای همه اعضای گروه که از طریق تلاش منطقی قابل شناسایی هستند، اقدام کند تا اگر تصمیم به خروج از دعوا گرفتند، بتوانند به موقع از حق خروج خود استفاده کنند. اگر در این گونه دعوی، ابلاغ‌ها به درستی به اعضای گروه صورت نگیرد، اعضای غایب گروه با ادعای رعایت‌نشدن تشریفات صحیح قانونی، می‌توانند خواهان عدم التزام به نتیجه دادرسی شوند.

1. Anderson, Brian; Trask, Andrew, **The Class Action Playbook**, Oxford University Press, 2010, pp. 22-28.

2. Appropriate Notice

دادگاه پس از طی کردن مراحل فوق، وارد رسیدگی ماهیتی دعوا می‌شود و با توجه به دلایل، مدارک و دفاعیات خوانده در صورت وارد دانستن دعوا، حکم شایسته را صادر و آن را ابلاغ می‌کند. البته باید ذکر کرد که تعداد کمی از دعوی گروهی در دادگاه‌ها رسیدگی می‌شوند؛ چراکه در اکثر پرونده‌ها و بعد از تأیید دعوی گروهی به وسیله دادگاه، طرف مقابل تصمیم به سازش می‌گیرد و لذا دعوی از این طریق خاتمه می‌یابد. البته، در صلح و سازش دعوی گروهی، به خطر افتادن منافع اعضای غایب گروه بیشتر امکان دارد؛ بنابراین، در حقوق آمریکا، برای اجتناب از سازش‌های دسیسه‌آمیز، مقررات زیادی تدوین شده که بر مذاکرات طرفین و نتیجه دعوا اثر زیادی دارد. برای مثال، مداخله و نظارت قضایی بر سازش به عمل آمده ضروری و لازم است و دادگاه پس از اطمینان از منصفانه و منطقی بودن سازش، حکم تأیید آن را صادر می‌کند. اما برخی حقوق‌دانان معتقدند نگرانی حمایت از منافع اعضای غایب در سازش‌ها، صرفاً با نظارت و تأیید دادگاه مرتفع نخواهد شد و به همین علت، خود مسئله سازش و بررسی مقررات موجود و پیش‌بینی سازوکارهای کارآمدتر در این خصوص، از موضوع‌های بسیار مهم در این گونه دعوی تلقی می‌شود. در آخر هم نوبت به توزیع محکوم‌به یا مال‌الصلح میان اعضای گروه می‌رسد که زیر نظر دادگاه و از طریق توزیع مستقیم یا غیرمستقیم، به اعضای گروه پرداخت می‌شود. با وجود رویه‌های قبلی در قلمرو دعوی گروهی، خواهان‌ها از منفعت اندکی بهره‌مند می‌شدند و دعوی گروهی نمی‌توانست به‌خوبی رسالت خود را انجام دهد. وکلای گروه در سازش‌های خود، با پرداخت کوپن‌های بی‌ارزش، تنها سود کلانی را نصیب خود می‌کردند و خسارت اعضای گروه به شکل مناسبی جبران نمی‌شد؛ از این رو، قانون کافا سعی بر اصلاح این کاستی‌ها داشت. علاوه بر تمام موارد ذکر شده، بعد از تصویب قانون کافا در سال ۲۰۰۵ نیز اصلاحاتی در زمینه طرح دعوی گروهی صورت گرفت. در مقدمه قانون کافا، هدف از تصویب این قانون در مجلس سنا و مجلس نمایندگان ایالات متحده، اصلاح رویه‌هایی که در خصوص دعوی گروهی بین ایالتی اعمال می‌شود و تضمین نتایج منصفانه‌تر برای اعضای گروه و خواندگان بیان شده است. قانون مزبور، این اصلاحات را به‌نوعی پاسخ و راه‌حلی در مقابل سوءاستفاده‌هایی دانسته که طی سالیان در خصوص دعوی گروهی رخ داده است.<sup>۱</sup>

1. Cooper Alexander, Janet, **An Introduction to Class Action Procedure in the United States**, Presented Conference: Debate Over Group Litigation in Comparative Perspective, Geneva, Switzerland, 2000, p. 17-18.

## ۶. دعوی گروهی در فنلاند

مطابق پاراگراف اول قانون دعوی گروهی فنلاند، این قانون صرفاً می‌تواند در دادرسی‌های مدنی، در پرونده‌های میان مصرف‌کنندگان و واحدهای تجاری اعمال شود. به‌علاوه، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان<sup>۱</sup> تنها طرفی است که می‌تواند از طرف مصرف‌کنندگان اقامه دعوی کند. افزون بر این، پاراگراف اول بیان می‌کند که این قانون در خصوص دعوی «اوراق بهادار» اعمال نمی‌شود (مالکان اوراق بهادار، مصرف‌کننده محسوب نمی‌شوند). اگر پرونده‌ای گشوده شود، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان (دستگاه نظارتی) باید به همه اشخاصی که می‌توانند بالقوه عضو گروه محسوب شوند، اطلاع‌رسانی کند. سپس، هر شخص باید قبولی کتبی را به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان تسلیم کند، مبنی بر اینکه او می‌خواهد عضوی از گروه شکایت‌کننده باشد (روش ورودمحور)<sup>۲</sup>. به‌طور خلاصه، قانون دعوی گروهی فنلاند، حداقل سه محدودیت عمده را در حوزه اعمال آن قانون به شرح زیر معرفی و ارائه می‌کند:

- ۱- دعا باید میان مصرف‌کنندگان و فروشندگان (تجارت و کسب‌وکارها) باشد؛ به‌ویژه، دعوی اوراق بهادار مجاز نیست.
  - ۲- تنها طرفی که می‌تواند از سوی مصرف‌کنندگان دعوی قضایی مطرح کند، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان (دستگاه نظارت) است.
  - ۳- مصرف‌کنندگان اگر بخواهند عضوی از دعوی گروهی باشند، باید قبولی‌های کتبی را به سازمان حمایت از مصرف‌کننده تسلیم کنند (ورودمحور).
- هدف همه این محدودیت‌ها بیشتر «جبران خسارت» است تا اهداف پیشگیرانه. این محدودیت‌ها زمانی معنا می‌دهند که قرار باشد قانون، در وهله اول از منافع عینی و شخصی اشخاص دفاع کند. این محدودیت‌ها، قانونی را ایجاد می‌کند که برای مهندسی اجتماعی از طریق ابزارهای خصوصی، ابزار نامناسبی است. به عبارت دیگر، فنلاند هنوز بر اجرای عمومی تکیه می‌کند تا بر اجرای خصوصی<sup>۳</sup>.

1. ombudsman

2. Jurgen G. Backhaus & others, *The Law & Economics of Class Action in Europe: lessons from America*, published by Edward Elgar publishing limited, UK, 2012, pp. 327.

3. Ibid, p. 328.

پارلمان فنلاند در فوریه ۲۰۰۷، قانون جدیدی را راجع به دعوی گروهی تصویب کرد که در اول ژانویه ۲۰۰۸ اجرایی شد. اگرچه عنوان آن «قانون عمومی دعوی گروهی» است، صرفاً در خصوص دعوی مصرف‌کننده اعمال می‌شود؛ جایی که بازرس یا دستگاه نظارت دولتی راجع به مصرف‌کننده، در جایگاه نماینده راهبر<sup>۱</sup> عمل می‌کند. سال‌ها قبل، اولین طرح پیشنهادی قانونی، حوزه اعمال وسیع‌تری داشت، اما میکو والیماک<sup>۲</sup>، حقوق‌دان فنلاندی ادعا کرده است که از زمان لابی‌کردن میان خوانندگان بالقوه (صاحبان صنایع) و خواهان‌های بالقوه (نمایندگی‌های مصرف‌کنندگان و غیره) حوزه اعمال قانون، محدود شده و آشکار شد که سازش بزرگی رخ داده است. در حقیقت، اهداف و محتویات قانون پیشنهادی چندین بار در طول این سال‌ها تغییر کرده است. چگونگی فرایند قانون‌گذاری فنلاند با خروجی خاصی به پایان رسید؛ استدلال شده است که نه دلایل اقتصادی مستدل و نه دلایل تجربی، هیچ نقش مرتبط و مؤثری نداشته‌اند. در عوض، دعوی حزی در پرونده‌های دعوی گروهی در ایالات‌متحده و پیامدهای بالقوه برای شرکت‌ها، به‌مثابه استدلالی قوی برای محدودکردن حوزه اعمال آن قانون به کار رفته است. اسناد تهیه‌شده رسمی، هیچ مطالعه‌ای را درباره تجارب ایالات‌متحده ارائه نمی‌کرد. هیچ مدرک تجربی غیرمتعصبانه‌ای از کاربرد دعوی گروهی وجود نداشت، مگر از سوئد. آیا به‌راستی یک نفر می‌تواند همان‌گونه که در طول فرایند قانون‌گذاری در فنلاند انجام شده، ادعا کند که دیگر کشورها آنگاه که حوزه اعمال دعوی گروهی را محدود نکردند، اشتباهات جدی مرتکب شده‌اند؟ آیا قانون دعوی گروهی برای سوءاستفاده از این نظام از طریق دعوی پوچ و بیهوده، درهایی را باز می‌کند؟ آیا دعوی گروهی برای نظام‌های حقوقی اروپای قاره‌ای، ابزاری کاملاً خارجی است؟ میکو والیماک<sup>۳</sup>، این نویسنده آگاه نتیجه‌گیری می‌کند که این ادعاها اساساً مبتنی بر عقاید متعصبانه بوده است، نه مبتنی بر مطالعات مستدل. مثال‌هایی از دیگر کشورهای شمال اروپا نشان می‌دهد که هیچ‌چیز نامعمولی در اجرای دعوی گروهی در نظام حقوقی یک کشور اروپای شمالی وجود ندارد. در مجموع، تعداد نامعلومی از دعوی در فنلاند قضاوت نمی‌شوند؛ زیرا حوزه اعمال قانون محدود شده است.<sup>۳</sup>

1. the lead counsel  
2. Mikko Valimaki  
3. Ibid, pp. 329-330.

فنلاند و سوئد اولین کشورهای اروپای شمالی بودند که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بررسی قانون‌گذاری دعوی گروهی را آغاز کردند. اولین بررسی‌های اولیه و مقدماتی که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد، نتیجه می‌گرفت که معرفی دعاوی گروهی در فنلاند، به تبعیت از مدل ایالات متحده امکان‌پذیر است. وزارت دادگستری کمیته‌ای را سازمان‌دهی کرد. این کمیته در سال ۱۹۹۵، متن طرح قانونی را که برای قانون دعوی گروهی حوزه اعمال وسیع‌تری در نظر گرفته بود، منتشر کرد. این کمیته متشکل از یک استاد حقوق، چند کارمند دولت، اعضای از قوه قضاییه و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان بود، ولی هیچ نماینده‌ای از صنعت در آن حضور نداشت. طرح این گروه، شروع دعوی گروهی را در هر دعوی عملی بر اساس قانون فنلاند امکان‌پذیر می‌ساخت. هر کس می‌توانست نقش خواهان را با وکیل انتخابی‌اش رهبری کند. عضویت گروه مبتنی بر قاعده خروج محور<sup>۱</sup> بود. به دلیل افزایش انتقاد از سوی نمایندگان صنایع، اولین متن هرگز به منزله یک طرح قانونی رسمی در مجلس ارائه نشد؛ در عوض، یک کارگروه جدید، این بار شامل نمایندگان صنایع، متن جدید پیشنهادی را با برخی محدودیت‌ها در حوزه اعمال در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد. به جهت لابی قوی صاحبان صنایع، این طرح پیشنهادی محدود شده نیز به پیش نرفت. در همین حال، سوئد قانونی را راجع به دعوی گروهی تصویب کرد که در سال ۲۰۰۳ به اجرا درآمد. به علت حفظ قاعده ورود محور، قانون سوئد در حوزه اعمالش هیچ محدودیت مربوط به آن را نداشت. نوژ و دانمارک که در دهه ۱۹۹۰ فعال نبودند، سریعاً طرح‌های قانونی خودشان مبتنی بر نمونه سوئدی را دنبال کردند و به پیش رفتند. مطابق این طرح، سازمان‌های خصوصی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، خواهان محسوب نمی‌شدند؛ عضویت گروه مبتنی بر قاعده ورود محور بود و امکان شکایت راجع به موضوعات خاصی نظیر نقض قرارداد وجود نداشت.

وزارت دادگستری فنلاند در سال ۲۰۰۴ گروه کاری دولتی بعدی را سازمان‌دهی کرد که در سال ۲۰۰۵ یافته‌های مقدماتی خود را منتشر ساخت. علاوه بر کارمندان دولتی و اعضای از قوه قضاییه، دو عضو از صنایع، دو عضو از نمایندگان حمایت‌کننده از منافع مصرف‌کنندگان، یک نفر از حامیان محیط‌زیست، یک نفر از اتحادیه کارگری و یک نفر وکیل دادگستری حضور داشتند. به‌رغم مخالفت‌های نمایندگان صنایع، در نهایت، کار در قالب یک طرح قانونی رسمی در سال بعدی نتیجه داد. اولین مشکل اساسی با سند گروه، این بود که به‌صورت تجربی نیازهای دعاوی

1. opt-out

گروهی را در مرحله اول شناسایی نکرده بود. آن سند هیچ‌گونه اطلاعاتی راجع به انواع دعاوی گروهی در ایالات متحده یا دیگر کشورهایی که نظام دعوی گروهی، برای چندین دهه دارای کاربرد عملی بوده است، ارائه نکرده بود. تنها اطلاعات تجربی از سوئد بود؛ جایی که دعاوی گروهی تازه معرفی شده بود و این اطلاعات تهیه شده نیز به‌خوبی روشن و کارگشا نبود. از میان تمام شش پرونده در طول سه سال اول، فقط یک پرونده را سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان سوئد مدیریت و رهبری کرد. هیچ‌کدام از آن پرونده‌ها با موضوعات زیست‌محیطی تالاقی نکرده بود. کارگروه نیز به دلایلی نامعلوم، توضیحی درباره آن ارائه نکرد یا نیاز به بررسی جامع در خصوص آن را تشخیص نداد. بنابراین، صرفاً پرونده‌های مصرف‌کنندگان و زیست‌محیطی بیشتر به‌منزله حوزه‌های کاربردی به بحث گذاشته شدند. استدلال‌های واقعی که برای محدود کردن حوزه قانون به کار رفت، نسبتاً نظری بود. پیشنهاد شد که حمایت از مصرف‌کننده، حوزه موضوع کاربردی اصلی باشد، زیرا:

- ۱- به‌طور بالقوه، تعداد رو به افزایشی از گروه‌های مصرف‌کننده با دعاوی کوچک مشابه وجود داشت.
- ۲- در عرصه رو به تکامل و مستمر حمایت از مصرف‌کنندگان، عملکرد بازدارندگی با اهمیت است.
- ۳- حوزه کاربرد قانون حمایت از مصرف‌کننده، به‌طور واضحی محدود شده است.
- ۴- دستگاه نظارت و بازرسی در امور مصرف‌کنندگان، هیئت‌ها و فرایندهای حل‌وفصل اختیاری اختلافات، وجود دارد؛ به این معنا که دعوی قضایی، فقط بعد از اینکه دیگر راه‌حل‌های حل‌وفصل تعارضات به شکست منجر شود، عملی می‌شود.

در جهت تقویت موضوعات زیست‌محیطی دلیل آورده می‌شد؛ چراکه انگیزه‌ها و محرک‌ها توجیه‌پذیرتر بودند. به این علت که کارگروه رویکردی متمرکز بر یک بخش را برای دعاوی گروهی پذیرفته بود و هیچ‌گونه استدلالی له یا علیه دیگر حوزه‌های حقوقی ارائه نشد. وزارت دادگستری، بیش از چهل اظهارنظر درباره متن قانونی دریافت کرد. تنها کسانی که عقیده داشتند نباید هیچ محدودیتی در حوزه اعمال قانون به کار گرفته شود، سه استاد حقوق آیین دادرسی از دانشگاه و یک گروه حمایت از منافع مصرف‌کنندگان بودند. این استادان به دلایل شکلی اشاره کردند و به مثال‌هایی از دیگر کشورهای اروپای شمالی ارجاع دادند. دو اتحادیه کارگری نیز از گسترش و توسعه حوزه اعمال در خصوص دعاوی استخدامی پشتیبانی کردند. اکثر نظردهندگان، به‌راحتی با اعمال محدودیت درباره دعاوی مصرف‌کننده موافقت کردند، اما در خصوص

موضوعات زیست‌محیطی، هم به دلایل شکلی و هم به دلایل ماهوی، بسیار محتاط بودند. نمایندگان صنایع ادامه دادند که اساساً مخالف نهاد دعاوی گروهی هستند. بر اساس این نتایج، وزارت دادگستری تصمیم گرفت قبل از اینکه این طرح به صورت رسمی به پارلمان پیشنهاد شود، موضوعات زیست‌محیطی را از حوزه اعمال حذف کند. حوزه اعمال قانون در فرایند قانون‌گذاری در مجلس تغییر نکرد.<sup>۱</sup>

مشکل عمده دیگر با سند گروه ۲۰۰۵، این بود که در آغاز سند تأکید شده بود «کارگروه هیچ‌گونه تجزیه و تحلیل اقتصادی از تأثیرات دعاوی گروهی در دسترس نداشته است.» کارگروه در خصوص ادعاهای متعدد درباره تأثیرات اقتصادی منفی دعاوی گروهی در ایالات متحده مدارک مستندی در اختیار نداشت. تنها منبع مستند، اظهارات شفاهی و توجیه کتبی از «نوکیا» بود.

به نقل از مقاله‌ای در مجله اقتصادی فنلاندی «اوج جنگ علیه قانون‌گذاری دعاوی گروهی، فقط زمانی بود که مدیر نوکیا<sup>۲</sup> ضمن اظهار نظر درباره گروه کاری در وزارت دادگستری، شش بار تکرار کرد که هیچ دلیل یا احتیاجی وجود ندارد که رویه جاری تغییر کند...! استیمسون چندین مثال از دعاوی گروهی در ایالات متحده را به گروه کاری گوشزد کرد. طبق گفته او، کسانی که از این سیستم حقوقی سود می‌برند، وکلایی هستند که میلیون‌ها دلار دستمزدهای وکلا را تقسیم و تسهیم می‌کنند. متقاضیان صرفاً مبالغ کمی از پول یا دیگر منافع را دریافت کرده‌اند.»

گروه‌های صنعتی دیگر استدلال کردند که اگر دعاوی گروهی به صورت نامحدود امکان‌پذیر شود، فنلاند سرمایه‌گذاری خارجی را از دست خواهد داد. وزارت دادگستری در پاسخ متذکر شد که ادعاهای راجع به تأثیرات اقتصادی منفی، صرفاً نظری و تئوریک هستند. برای نمونه، هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که قانون دعاوی گروهی سوئد، تأثیری بر سرمایه‌گذاری داخلی سوئد داشته است. هیچ محصول بیمه‌ای جدید در بازار معرفی نشده و حق بیمه‌ها نیز افزایش نداشته است. هیچ سندی در دسترس نیست که شرکت‌های چندملیتی فنلاند، صرفاً به دلیل وجود قانون دعاوی گروهی، از شرکت در بازارهای سوئدی و حتی آمریکایی پرهیز کرده‌اند یا به این دلیل که سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، تنها مقام صالح برای اقامه دعاوی گروهی بوده، امکان واقعی برای طرح دعاوی فریبکارانه وجود نداشته است.

1. Ibid, p. 331-332.

2. Rick stimson



متن قانونی بیش از چهل نقد و نظریه دریافت کرد که جالب‌ترین آن‌ها، نظری راجع به تأثیرات اقتصادی متعلق به مؤسسه تحقیقات اقتصادی بود. این مؤسسه ابتدا به‌درستی متذکر شد که اکثر ادعاها له و علیه تأثیرات اقتصادی خاصی از دعوی گروهی، مبتنی بر نتایج تئوریک یا گمان محض بوده است، ولی متأسفانه به دام همان استدلال‌های غلط افتاد که در ابتدا از آن‌ها انتقاد شده بود و هیچ مدرک تجربی یا اقتصادی یا حتی ارجاعات درباره دعوی گروهی را ارائه نکرد و چنین ادامه داد: «اگر پرونده‌های احتمالی درباره ادعاهای کوچک جبران خسارت باشد، شفاف نیست چه منافعی از دعوی گروهی حاصل خواهد شد. در این صورت، بیشترین تأثیر مهم بر شرکت‌ها، افزایش گردش مالی مؤسسات حقوقی خواهد بود.» به‌علاوه، آن نظر به‌طور خاصی، دعوی گروهی زیست‌محیطی را رد کرد؛ فقط با این استدلال که سازمان‌های دارای منابع کافی (برای مثال، سازمان صلح سبز) می‌توانند با زمینه‌های ضعیف علیه شرکت‌های جنگلی و انرژی فنلاند مرافعه کنند. این دعوی لزوماً پذیرفته نخواهند شد، اما شرکت‌های بزرگ را به محاکمات طولانی گره می‌زنند و در عین حال، می‌توانند به پیمانکاران فرعی این شرکت‌های بزرگ صدمه بزنند.

طرح قانونی رسمی که به پارلمان تسلیم شد، نظری راجع به ادعاهای این مؤسسات ارائه نداد؛ اگرچه موضوعات زیست‌محیطی از حوزه اعمال آن کنار گذاشته شد. شاید قوی‌ترین استدلال علیه نظریه دعوی فریبکارانه، قانون آیین دادرسی است که طرف بازنده، مسئول پرداخت هزینه‌های قانونی طرف برنده محسوب می‌شود. برای مثال، اگر سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان فنلاند پرونده‌ای را ببازد، جایی که او از طرف مصرف‌کننده شخصی علیه یک بنگاه صنعتی بزرگ اقامه دعوا کرده است، نامعمول و عجیب نیست که دادگاه بخش فنلاند، بیش از ۱۰۰ هزار یورو از هزینه‌های قانونی خوانده را از سازمان حمایت از مصرف‌کننده دریافت و به خوانده پرداخت کند. تحت این شرایط، می‌توان درک کرد که هیچ پرونده‌ای تشکیل نخواهد شد، مگر اینکه پیروزی در آن تقریباً قطعی و مطمئن باشد. وکیل سازمان حمایت از مصرف‌کننده در ۲۵ جون ۲۰۰۷ اعلام کرد که این سازمان، فقط ۲۰ هزار یورو برای دعوی گروهی بالقوه در سال ۲۰۰۸ ذخیره کرده است. بنابراین، به‌احتمال بسیار زیاد، در آینده نزدیک هیچ پرونده دعوی گروهی در فنلاند تشکیل نخواهد شد.<sup>۱</sup>

1. Ibid, pp. 333-335.

توماس ویلمسون، پروفیسور حقوق از فنلاند، بر اساس دلایل اجتماعی و اقتصادی، به نفع دعاوی گروهی استدلال کرده است. او نشان داده که عملکردهای حقوق مسئولیت باید شامل تنظیم، نظارت بر خدمات و عملکردهای امنیت اجتماعی باشد. او استدلال می‌کند که دعاوی گروهی می‌تواند به مثابه ابزار سیاسی خرد، در اقتصاد بازار کشورهای اروپای شمالی و به‌منظور افزایش این اهداف مدرن، در خصوص حقوق مسئولیت به کار رود.

مشکلات اصلی در شکست فرایند قانون‌گذاری فنلاند به شرح زیر بوده‌اند:

۱- فقدان اطلاعات تجربی از نیازهای متنوع دعاوی گروهی؛

۲- فقدان تجزیه و تحلیل تأثیرات متنوع اقتصادی در خصوص دعاوی گروهی.

## ۷. امکان اقامه دعاوی گروهی بر اساس قوانین فعلی ایران

اقامه دعاوی گروهی در حقوق ایران علی‌الظاهر با موانعی مواجه است. عده‌ای معتقدند که این شیوه با مقررات مربوط به ابلاغ، اصل استقلال و اصل شخصی بودن دعاوی، اصل نسبی بودن رأی، رعایت حقوق دفاعی و اصل تناظر در دادرسی که از مجموع مواد آیین دادرسی مدنی خصوصاً مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ استنباط می‌شود، در تعارض است؛ ولی باید گفت که ماهیت منحصر به فرد دعاوی گروهی نیازمند اصولی خاص است که گرچه شاید با برخی اصول سنتی دادرسی در تعارض باشند، هم‌سو با هدف وضع قوانین دادرسی برای دسترسی به عدالت قضایی و تحذیر خاطیان پیش‌بینی شده‌اند و مقررات مربوط به شرایط اقامه دعاوی گروهی اغلب ایرادات و نقایص ناشی از رعایت نشدن اصول سنتی را پوشش می‌دهد؛ ضمن اینکه دعاوی گروهی ابزاری فرعی و آخرین راه‌حل است و صرفاً زمانی دادگاه آن را تأیید می‌کند که دیگر روش‌های دادرسی کارایی لازم را نداشته باشند.

به هر روی، در نظام حقوقی و قوانین دادرسی ایران به‌طور عام، نهاد دعاوی گروهی پیش‌بینی نشده است، هرچند در سال‌های اخیر مکانیسم‌های مشابهی جهت طرح دعاوی به‌صورت جمعی و در حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از سوی برخی سازمان‌ها، آن هم به‌صورت بسیار اندک و محدود، وضع شده است.<sup>۱</sup> قانون تجارت الکترونیکی مصوب

۱. محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ شوشی نسب، نفیسه، **دعاوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حق حقوق مصرف‌کنندگان**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۵۷-۱۸۲.

۱۳۸۲/۱۰/۱۷، به طور خاص اجازه اقامه دعوا از سوی خواهان‌ها را اعطا کرده است. ماده ۴۸ این قانون مقرر می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کنندگان می‌توانند در مقام شاکی اقامه دعوی کنند. ترتیب آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیئت‌وزیران است.»<sup>۱</sup> طبق بند «الف» آیین‌نامه ماده ۴۸ مصوب ۱۳۸۴/۵/۲ هیئت وزیران، سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کننده، اعم از هر مؤسسه، شرکت یا انجمنی است که مطابق قانون یا در اجرای آن، با هدف حمایت از مصرف‌کننده در زمینه‌هایی از قبیل قیمت کالا و خدمات اعم از تولیدی و وارداتی، سیستم‌های مربوط به توزیع یا مرحله مصرف، ضرر و زیان کالاهای مصرفی و خدماتی، ایجاد یا ثبت شده‌اند یا می‌شوند. همچنین ماده ۲ این آیین‌نامه، به سازمان اختیار طرح شکایت را اعطا کرده و در ماده ۴ مقرر داشته که در صورت طرح نکردن شکایت ظرف مهلت یک ماه، سازمان باید پاسخ مناسبی را به درخواست‌کننده ارائه کند.<sup>۲</sup> صرف نظر از این بحث که قانون مذکور قانونی خاص است و آیا قابلیت تسری به سایر موارد را دارد یا خیر، ملاحظه می‌شود که این مقررات فاقد مکانیسم اجرایی کافی و مناسب است. به هر حال، مسیر قانون‌گذاری در خصوص حمایت از مصرف‌کننده، نشان از پی‌بردن مقنن به اهمیت این موضوع دارد. علاوه بر منابع حقوقی عام برای جبران خسارت که در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ذکر شده، قوانین و مقررات خاصی نظیر قانون تعزیرات حکومتی، قانون نظام صنفی، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، قانون مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و قانون حمایت از مصرف‌کنندگان نیز در این زمینه به تصویب رسیده است. قانون‌گذار در خصوص دعاوی مربوط به حوزه محیط‌زیست، غالباً از جرائم زیست‌محیطی و ضمانت‌کیفری صحبت کرده است؛ در حالی که نهاد دعوی گروهی در این زمینه می‌تواند نقش مهم و کارآمدتری را ایفا کند. برای مثال، در مواردی نظیر زیان‌های زیست‌محیطی که دولت مسئول زیان‌های وارده باشد و در عین حال، مراجع دولتی نظیر سازمان محیط‌زیست باید در مقام خواهان اقدام کنند، معلوم نیست روش رسیدگی چگونه خواهد بود. شایان ذکر است که آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب مردادماه

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل مشاهده در پایگاه <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93997>  
 ۲. همان.

۱۳۸۴ هیئت‌وزیران در بند «ج» قسمت ۲ ماده ۴ و در ماده ۱۶ به سازمان‌های غیردولتی نیز اجازه می‌دهد تا در خصوص حق دادخواهی و به‌منظور حمایت از منافع عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی اقامه دعوی کنند، ولی به هر حال، این مقررات دارای ابهامات عدیده و فاقد کارایی کافی و مناسب است.

## نتیجه گیری

امروزه با گسترش روزافزون علم و صنعت، تولیدات انبوه، جهانی شدن تجارت، وجود شرکت‌های چندملیتی و فراملیتی، آگهی‌ها و تبلیغات بسیار گسترده، مصرف‌کنندگان پراکنده با تعداد بسیار زیاد، آسیب‌ها و تعرضات متنوع به محیط‌زیست و دیگر حقوق جمعی، محرز شده است که دادرسی فردی به سبک سنتی، کارایی لازم را برای اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم ندارد. از طرف دیگر، اصول دادرسی سنتی قواعدی تغییرناپذیر نیستند؛ این اصول با پیش‌فرض تأمین عدالت قضایی، در زمان خود پدیدار شده‌اند و برای تأمین عدالت، طریقت دارند و نه موضوعیت؛ بنابراین، اگر در شرایط کنونی اجرای بی‌چون‌وچرای اصولی نظیر اصل دادخواهی به‌طور شخصی، اصل رعایت حقوق دفاعی یا اصل تناظر و اصل استقلال دعاوی در برخی موارد نتیجه معکوس بدهد، لاجرم لازم است با صرف‌نظر کردن یا تغییر برخی از این اصول، شیوه‌ای کارآمد و مؤثر برگزید. شاهد مثال می‌توان به مواردی اشاره کرد که در دهه اخیر در قوانین و مقررات مصرف‌کننده و قانون تجارت الکترونیکی در قوانین ایران اعمال شده است. به نظر می‌رسد نهاد دعوی گروهی در شکل گسترده خود می‌تواند تأمین‌کننده اقتصاد قضایی، حقوق جمعی مردم و حقوق فردی خواهان‌های پرشمار باشد و اصلاح رفتار خاطیان و بازدارندگی از ارتکاب و تکرار را به همراه بیاورد. سیاست‌های تقنینی در اغلب کشورها اعم از حقوق نوشته و عرفی، نشان از این دارد که شناسایی نهاد دعوی گروهی در قوانین دادرسی، امری پسندیده و ضروری است؛ اما اختلاف، در جزئیات شیوه اجرا است. برخی روش ورودمحور و بعضی روش خروج‌محور یا ترکیبی از آن را ترجیح داده‌اند. بعضی کشورها، اجرای خصوصی، اما تحت نظارت دقیق دادگاه را چاره مشکل دانسته‌اند و برخی اجرای عمومی را راهگشا می‌دانند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی، شیوه ایالات‌متحده با همه انتقاداتی که بر آن وارد می‌شود، روش مؤثرتری است و منافع آن بر مضار غلبه دارد. به‌مرور زمان و با استفاده از نتایج حاصله از اجرای این شیوه در ایران، سایر نکات منفی آن روشن می‌شود و به تناسب می‌توان برای اصلاح و ارتقای این مقررات اقدام کرد. تدوین مقررات ناقص و ناکارآمد، آن‌چنان که تاکنون در برخی کشورهای اروپایی دارای حقوق نوشته اجرا شده است، نمی‌تواند کارگشا باشد. تجربیات نشان داده که صرف اجرای عمومی از سوی سازمان‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان و حقوق جمعی و فزایدی مردم، ناکارآمد است و تأثیر فقدان اجرای

خصوصی با انگیزه‌های قوی و کاهش ریسک بازنده‌شدن در این دعوی، این بوده که هر روز بر تعداد تجاوزکنندگان به حقوق جمعی مردم و نیز حقوق بعضاً اندک ولی با تعداد بسیار زیاد، افزوده می‌شود و تجری در این زمینه‌ها بیشتر شده است. شرکت‌های بزرگ به پشتوانه سرمایه و لابی‌گری‌های خود، همواره از تحمل مسئولیت کامل طرفه رفته‌اند و در این میان، متضرران واقعی، مردم بی‌دفاع و ناتوان از پیگیری حقوق خود بوده‌اند. صرف داشتن نظام حقوقی نوشته یا عرفی نمی‌تواند متمایزکننده اتخاذ شیوه‌های متفاوت کتونی باشد. باید با ارائه تحلیل اقتصادی کافی، مقرراتی هم‌سو برای تأمین اهداف دعوی گروهی در قوانین ایران پیش‌بینی شود. هیچ استدلال قوی وجود ندارد که کاربرد دعوی گروهی را فقط به دعوی مصرف‌کنندگان محدود کنیم و دیگر حوزه‌های مهم از قبیل مسئولیت مدنی، محیط‌زیست، امور بانکی و پولی و سایر خدمات را لحاظ نکنیم.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. دکتر انصاری، باقر، **مفهوم و ماهیت حقوق جمعی**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱، بهار ۱۳۹۲.
۲. شمس، عبدالله، **اصل تناظر**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۱، شماره ۳۵-۳۶.
۳. محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ شوشی نسب، نفیسه، **دعوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حق حقوق مصرف‌کنندگان**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل مشاهده در پایگاه <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93997>
۵. مولودی، محمد؛ حاجی عزیزی، بیژن؛ صفری، ناهید، **مطالعه حقوق فرافردی: مبنایی برای دعاوی جمعی**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۵.

### ب) منابع انگلیسی

6. Alexandra D. Lahav, Two view of the class action, 79 Fordham L. Rev, 2011.
7. Anderson, Brian; Trask, Andrew, The Class Action Playbook, Oxford University Press, 2010.
8. Bronsteen, John; Fiss, Owen, "The Class Action Rule", Notre Dame Law Review, Vol. 78, No. 5, 2003.
9. Chris, H. Miller, The Adaptive American Judiciary: From Classical Adjudication to Class Action Litigation, Albany Law Review, Vol 72, 2009.
10. Cooper Alexander, Janet, An Introduction to Class A ction Procedure in the United States, Presented Conference: Debate Over Group Litigation in Comparative Perspective, Geneva, Switzerland, 2000.
11. D. Blank, Joshua, A. Zacks, Eric, Dismissing the Class: A Practical Approach to the Class Action Rstriction on the Legal Services Corporation, Penn State Law Review, Vol. 110, 2005.
12. F. Sherman, Edward, Consumer Class Actions: Decline and Fall? ABA journal, Vol 51, 2007.

13. Gidi, Antonio, "Class Action in Brazil A Model for Civil Law Countries", *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 51, 2003.
14. Hazard, Geoffrey C.; Taruffo, Michele, *American Civil Procedure: An Introduction*, New Haven and London: Yale University Press, 1993.
15. Issacharoff, Samuel, collective action and class action, New York University School of Law, Sep. 2017.
16. Jurgen G. Backhaus & others, *The Law & Economics of Class Action in Europe: lessons from America*, published by Edward Elgar publishing limited, UK, 2012.
17. Mohseni, Hasan; Ghaffari Farsani, Behnam; Shooshinsab Nafiseh, *Collective Cases and Their Role in Recognizing the Rights of Consumers of Consumers*, *Quarterly Journal of Private Law Research*, Vol. 1, No. 1, Autumn 2012.
18. Moloody, Mohammad; Haji Azizi, Bijan; Safari, Nahid, *Study of the Law of Contemplation: The Basis for Collective Cases*, *Quarterly Journal of Legal Research*, No. 75.
19. Mulheren, Rechael, *The Class Action in Common Law Legal System: A Comparative Perspective*, 2004.
20. N. Ancheta, Angelo, "Defendant Class Action & Federal Civil Right Litigation", *UCLA Law Review*, Vol 33, 1985-1986.
21. Parliament Research Center, visible at the base <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93997>
22. Rubenstein, William B., "Why Enable Litigation? A Positive Externalities Theory of the Small Claims ClassAction", *20 UMKC Law Review*, No. 10, 2006.
23. Shams, Abdullah, *Principle of Comparison*, *Journal of Legal Research*, 2002, No. 35-36.
24. Silver, Charles, *Class Action- Representation Proceeding*, in *5 Encyclopedia of Law & Economics*, Boudewijn Bouckaert & Gerrit De Geest eds, 2000.
25. Solomon, Louis M., "European Dis-Union in Collective Redress Actions: A Failed Experiment- So Far", *International Financial Law Review*, October, 2010.
26. X.Shen, Fransis, "The Overlooked Utility of The Defendant Class Action", *Denver University Law Review*, 2010. <http://www.law.du.edu>